

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
Tel: 00491635112025
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian@yahoo.com

ایسکرا ۴۶۰

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

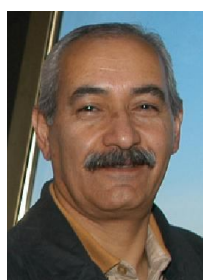
www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۱۲ فروردین ۱۳۸۸، ۱ آوریل ۲۰۰۹

منصور فرزاد - عبدال گلپریان Iskraa_nkk@yahoo.com



به استقبال اول مه روز جهانی کارگر برویم

عبدال گلپریان

اول مه در راه است طبقه کارگر در سراسر جهان از هم اکنون در فکر تدارک این روز جهانی است.

در ایران نیز هر سال کارگران

علیرغم سرکوب و ممانعت‌های رژیم و هراس از فرار سیدین اول مه، کارگران فعالانه این روز را گرامی می‌دارند.

اما اول مه امسال در ایران می‌تواند روزی متفاوت از تمامی

تجمعات اعتراضی اول مه‌های

گذشته در بلند کردن پرچم‌هایی در برابر میراث نظام گنبدیده سرمایه داری باشد. میتواند روزی عظیم تر از آنچه که تا کنون برگزار شده است باشد.

صفحه ۴

سال ۸۸، سال کارگران

ناصر اصغری

نمایندگانی برگزینند و به عنوان حمایت از نمایندگان خود با آنها به اداره کار بروند تا نمایندگان خود را به مسئولین مربوطه معرفی کنند.

طی ۳ سال گذشته ۶۰۰ تن از کارگران چینی کرد اخراج شده‌اند و

کارگران معترض ۵ فروردین در روزهای آینده با دیگر همکاران اخراجی خود تماس خواهند گرفت

و می‌خواهند اعتراضشان را

صفحه ۲

در مقابل اداره کار کرمانشاه دست به تجمع اعتراضی زده و خواهان بازگشت بکار فوری خود می‌شوند. این اعتراض بدنبال برگزاری مجمع عمومی این کارگران و

تصمیم به اعتراض اتفاق می‌افتد. مسئولین اداره کار برای رسیدگی به مطالبات کارگران يك مهلت ده

روزه می‌خواهند. کارگران به خانه

هایشان برمی‌گردند، با این هدف که روز بعد در مجمع عمومی خود



طبق خبری که "اتحادیه آزاد کارگران ایران" روز ۵ فروردین ماه سال جدید (۱۳۸۸) منتشر کرده بود، در اولین روز پس از تعطیلات رسمی سال، ۲۰۰ تن از ۶۰۰ کارگر اخراجی کارخانه چینی کرد

حکومت شورایی

صفحه ۴

روزی که فرانکفورت سرخ شد

محمدامین کمانگر

صفحه ۵

اخراج دهها کارگر کارخانه ریسندگی و بافندگی شاهو

صفحه ۶

اعدام یک جوان در زندان مرکزی سندج

صفحه ۶

پیام تسلیت به خانواده ترقی

صفحه ۶

انفجار مین در سردشت جان یک نفر را گرفت

صفحه ۶

خود سوزی دو دختر جوان در کرمانشاه

صفحه ۶

اعلام جدایی فراکسیون شکست خورده درون کومه له تکرار مقتضایان طرح مهتدی ایلخانیزاده است

محمد آسگران

بی‌آبروی آن جریان اکنون برای همگان عیان شده است. اگر قبلاً در درون صف کومه له همزیستی با ناسیونالیسم کرد پر رنگ بود امروز به حکم تحولات اجتماعی و قدرت چپ و کمونیسم در جامعه این همزیستی در حال فروریزی است.

اکنون با جدایی جریانان مختلف ناسیونالیست و قومپرست از کومه له مانند سازمان زحمتکشان، حزب کومه له، طیف

صفحه ۳

و کومه له عذر آنها را خواسته و طی اطلاعیه‌ای به آنها گوشزد کرده بود که با توجه به روش انحلال طلبانه اعلام شده تا کنونی آنها و البته باید اضافه کرد سیاستهای ضد کمونیستی و ناسیونالیستی این "فراکسیون" عملاً خود را در خارج آن حزب قرار داده‌اند.

فراکسیون درون کومه له نمونه کمیک و تکراری "طرح باسازی کومه له" است. این طرح و این سیاست قبلاً توسط مهتدی-ایلخانیزاده اعلام شد. شکست و



ناسیونالیستهای افراطی درون کومه له (فراکسیون فعالیت به نام کومه له) در تاریخ ۲۹ مارس ۲۰۰۹ رسماً اعلام جدایی کردند. قبلاً رهبری حزب کمونیست ایران

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

سال ۸۸، سال کارگران

از صفحه ۱

وسعت ببخشند. این خلاصه ای از خبر منتشر شده است. اما این اعتراض و شیوه منتهی به آن نکات جالب و آموزنده ای برای کل جنبش اعتراضی کارگری در بر دارد که لازم به اشاره دارد.*

سال ۸۸، همچنانکه خود سران رژیم اسلامی هم پیش بینی کرده اند، باید سال اعتراض هر چه متحدانه تر و پیگیرتر کارگران باشد. سه کلمه کلیدی در این جمله نهفته است؛ "اعتراض"، "متحدانه" و "پیگیر". به این نکته کمی پائینتر برمی گردیم، اما سرنوشت کارگران بیکار شده "چینی کرد"، آینه تمام نمائی از وضعیت کارگران ایران بوده است. کارگر در این جامعه تحت حاکمیت رژیم اسلامی دچار شدیدترین ضایعات شده است. بدترین شرایط به او تحمیل شده است. شیرازه زندگی اش را از هم پاشیده اند. موج موج بیکارش کرده اند. "شرمند خانواده" است. تحقیر می شود. و هزار و یک بلای دیگر بسرش آورده اند. اجازه بدهید اینجا گزارشی را منعکس کنیم که وضعیت کارگران ایران را بهتر از تحلیل انتزاعی بیان می کند.

دوستی گزارشی برایمان فرستاده بود در باره وضع کاری یکی از کارگران بیکار شده، نوشته است که این کارگر در میدان مرکزی شهر بساط دستفروشی گذاشته است. روی چهارپایه ای که رویش را با پارچه ای پوشانده است، تعدادی عینک آفتابی و طبی و تعدادی هم انواع مختلف باطری چیده است. این کارگر ده سال پیش در کارخانه ای که وسایل برقی و تولید گرما تولید می کرده حدود بیست سال کار می کرده. سهامداران این کارخانه به بهانه تغییر ساختار آن میلیاردها تومان پول را به تهران انتقال داده و پس از مدت کوتاهی کارخانه را تعطیل و منحل اعلام کردند و کارگران را با تسویه حسابهای نصفه و نیمه بیرون انداختند. این کارگر هنوز دو سال از حقوق آن سالهایش را طلب دارد ولی هنوز دستش به جایی نرسیده است. مدتی در جاهای دیگر کار کرده و بالاخره هفت سال است که به دستفروشی مشغول شده است. پس

هم کم نبوده. اما هیچ کارگری نمی تواند امروز به زندگی خودش نگاه کند و بگوید که وضعیتش از دیروز بهتر است. به آمار خود رژیم بیش از ۷۰ درصد کارگران این کشور قراردادی هستند. حداقل دستمزدها یک پنجم خط فقر در این جامعه است. زندگی هیچ کارگری با ۸ ساعت کار در این کشور نمی گذرد.

با این وضع باید نتیجه گیریهای کرد. ابتدا این را باید برای خودمان حلای کنیم که بالاخره این تمام آن چیزی است که برای آن به این دنیا آمده ایم؟! آیا سهم من از این دنیا و زندگی همین است؟! اگر چنین است من قبول ندارم. می خواهم این وضع را بهم بزنم. می خواهم محافظین این نظم را از آن بالا بیزیر بکشم. باید زبانه بر سر کسانی که حکومت می کنند خیلی درازتر از این باشد. باید رک و پوست کنده بگوئیم که آنها مسئولیت در برابر من و فرزندانم دارند. اگر نمی توانند لطفاً مثل آدم کنار بکشند تا کس دیگری امور را در دست بگیرد. اگر مثل آدم کنار نمی روند، باید با مبارزه ای متحد آنها را از اینکه قدرت بیزیر کشید.

واضح است کسانی که ۳۰ سال ثروت این جامعه را هر روز بیشتر از دیروز دزدیده اند و همانند ارث بابایان به آن نگاه کرده اند، مثل آدم کنار نمی کشند. کسی که کارگر را سیستماتیک بیکار می کند و از هرگونه مزیتی محروم می کند، مسئولیتی در قبال جان خانواده او نخواهد پذیرفت. واضح است کسی که ثروت این جامعه را خرج سرکوب می کند؛ خرج تروریسم می کند، برای کسی که سرکوب می شود و کسی که ترور نمی کند ارزشی قائل نیست. باید اعتراض کرد. باید متحدهانه اعتراض کرد. باید در این اعتراض پیگیر هم بود.

آنچه که در نوشتن این نوشته مد نظر است، بیشتر از هر چیزی پیگیری در اعتراض و خواست مطالباتمان است. رمز مبارزه کارگران، امروز اعتراض پیگیر است. همچنانکه بالاتر اشاره کردم، اعتراض کارگری کم نداریم. مبارزه کارگران همانند درد زایمان بوده که فاصله بین آنها هر چه کمتر و دامنه آنها هم وسیعتر شده است. منتها نکاتی است که جنبش کارگری ایران

از آنها رنج می برد و این هم نقش برگزاری منظم مجامع عمومی کارگران را برجسته می کند. اجازه بدهید با مثالی این نکته را توضیح بدهیم.

کارگران شرکت اتوبوسرانی تهران و حومه و همچنین کارگران شرکت نیشکر هفت تپه با اعتراضات قدرتمند و رادیکال خود حکومت اسلامی را وادار به عقب نشینی کردند و تشکلهای توده ای خود را ایجاد نمودند. اما از آنجا که در برگزاری مجامع عمومی خود پیگیر نبودند، اکنون بخش اعظم رهبری سندیکای شرکت واحد یا در زندان است و یا از کار اخراج شده است. علی نجاتی از سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه در زندان است و بقیه رهبران این سندیکا یک پا در دادگاه دارند و پای دیگرشان در زندان است. مجمع عمومی تا قبل از تشکیل این تشکلهای کارگری، مهمترین ارکان اعمال قدرت کارگران بود. این امر مهم متأسفانه حاشیه ای شد. قدرت رژیم در توطئه و امکان سرکوب کارگران و بازپس گیری دست آوردهای مبارزه جانانه آنها دست کم گرفته شد. باید در بحبوحه مبارزه این مهم را به کارگران یادآوری کرد که اگر در صحنه نمائند تمام دست آوردهایمان قابل بازپس گیری هستند. باید یادآوری کرد که کارگری که مجبور است برای نقد کردن دستمزدش مبارزه کند و با پاسدار و بسیجی و مأمور اداره اطلاعات گلاویز شود، مجبور است برای حفاظت از کوچکترین دست آورد این مبارزه در صحنه بماند. مجمع عمومی هم کارگران را متحد نگه می دارد، هم در سرنوشت خود دخالتشان می دهد و هم در مورد مسائل حداقل مربوط به تشکل خود پیگیر می ماندند.

کسانی که مخالف مجامع عمومی کارگران هستند، معمولاً کسانی هستند که در بیرون از مبارزه کارگران برایش تئوری می بافند. یکی از دلایل مخالفت اینها با مجمع عمومی این است که دست و پا گیر است، کارگران بعد از پایان اعتراضاتشان در آنها شرکت نمی کنند و یا مثلاً رژیم به آن تن نمی دهد. برای کسی دست و پا گیر است که می خواهد بالای سر کارگران با مدیریت بسازد. برای کسی که می

خواهد توده کارگران در سرنوشت تشکل خود دخیل نباشند، دست و پا گیر است. دیگر اینکه باید سعی کرد وقت مجمع عمومی را شامل وقت کار کارگران کرد. اگر رژیم و مدیرانش به تشکل کارگری، مثلاً سندیکا و شورا و غیره، تن دادند و برای برپائی مجامع عمومی کارگران سنگ اندازی کردند، باید مطمئن بود که توطئه ای در سر دارند! دوم اینکه خواست وقت و مکان مناسب برای برگزاری روتین مجامع عمومی باید یک بند اصلی اعتراض کارگران باشد. در صف پیکت اعتراض کارگران، باید بحث برگزاری روتین مجامع عمومی دائم به بحث گذاشته شود و امر و مشغله کارگران بشود. اگر چنین جایگاهی را برای مجمع عمومی قائل باشیم، مطمئناً کارگران از آن همچون دستمزد خود و ایمنی محیط کار پاسداری خواهند کرد. راستش وقتی آدم به سرنوشت تشکل های توده ای کارگران، از جمله سندیکای کارگران شرکت واحد تهران، سندیکای شرکت نیشکر هفت تپه، انجمن صنفی معلمان و سندیکای کارگران خبار سقز فکر می کند، اهمیت برگزاری روتین مجامع عمومی برجسته تر می شود. می دانم در بین فعالین تشکل های یاد شده کسانی هستند که اهمیت مجمع عمومی برایشان نه جای سؤال داشته و نه یادآوری ای لازم است؛ منتها با تشبیت تشکل خود، پیگیری این امر در عالم واقع دنبال نشد. کارگران در صحنه نگه داشته نشدند. گاهی این امر با مشغله های تلنبار شده و کمی وقت و غیره جواب می گیرید، اما راستش هیچ دلیلی، چه واقعی و چه بهانه، غفلت از مهمترین امر مبارزه کارگران را توجیه نمی کند.

آمریکائی ها مثلی دارند که "یک بار گولم زدی شرمتم باد؛ دومین بار گولم زدی شرمم باد". به اندازه کافی تجربه شکست در برابر توطئه های جمهوری اسلامی داشته ایم، دیگر جایز نیست!

"مهلت نمی دهیم"

در بخش قریب به اتفاق اعتراضات کارگری، با وعده و مهلت خواستن مدیریت روبرو می شویم. اولین و طبیعی ترین انتظار

سال ۸۸، سال کارگران

از صفحه ۲

آنها چاره شود. مجمع عمومی باید این نکته را هم برای مدیریت هاری مثل جمهوری اسلامی هم نمی تواند بدون پز اینکه دارد با کارگران مذاکره می کند، یکر است پاسدار و آجان سراغ کارگران بفرستد. گاهها برخورد ملایم مدیریتی که تا دیروز وحشیانه ترین برخوردی را با ما داشت، کارگران را مردود می کند. چاپلوسی و وقت و مهلت خواستن اولین واکنشی است که کارگران با آن روبرو می شوند. از کارگران می خواهند که به سر کارشان برگردند تا مدیریت مطالبات کارگران را مورد بررسی قرار دهد. اما این وظیفه فعالین کارکشته تر اعتراضات است و باید در مجمع عمومی هم به بحث گذاشته شود که با یک چنین واکنشی مواجه خواهیم شد. نباید مبارزه را یک لحظه هم قطع کرد و به آنها مهلت داد. اینها برای رسیدگی به خواست و مطالبه کارگران نیست که مهلت می خواهند؛ مهلت می خواهند که برای سرکوب اعتراضات کارگری توطئه بچینند. هر جا کارگر به مهلت خواستن مدیریت بی اعتنا بود و جواب داده که مهلت بی مهلت، در اسرع وقت به خواسته هایش رسیدگی شده است. هر یک است با بعقب انداختن پیروزی برای ساعتها و ماهها! اگر قدرت کارگر در تولید و اتحادش است، در حین مبارزه قدرتش در مصمم بودنش است!

* توضیح

نوشته حاضر برای نشریه ایسکرا، نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران در نظر گرفته شده است. گرچه موضوعاتی را که این نوشته به آن پرداخته فراتر از اعتراض کارگران بیکار شده شرکت چینی کرد هستند، اما شهرهای مختلف کردستان و بطور مشخص شهر سنندج کانون گرم مبارزه کارگران در یکی دو سال گذشته بوده است. و اعتراض مزبور مزیدی بر علت شد که با ارج نهادن مبارزه کارگران این بخش از جغرافیای ایران، نکاتی را هم علاوه بر انعکاس خبر مزبور یادآوری کنیم.

۳۰ مارس ۲۰۰۹

کارگران واکنش مدیریت به اعتراض کارگران است. حتی رژیم هاری مثل جمهوری اسلامی هم نمی تواند بدون پز اینکه دارد با کارگران مذاکره می کند، یکر است پاسدار و آجان سراغ کارگران بفرستد. گاهها برخورد ملایم مدیریتی که تا دیروز وحشیانه ترین برخوردی را با ما داشت، کارگران را مردود می کند. چاپلوسی و وقت و مهلت خواستن اولین واکنشی است که کارگران با آن روبرو می شوند. از کارگران می خواهند که به سر کارشان برگردند تا مدیریت مطالبات کارگران را مورد بررسی قرار دهد. اما این وظیفه فعالین کارکشته تر اعتراضات است و باید در مجمع عمومی هم به بحث گذاشته شود که با یک چنین واکنشی مواجه خواهیم شد. نباید مبارزه را یک لحظه هم قطع کرد و به آنها مهلت داد. اینها برای رسیدگی به خواست و مطالبه کارگران نیست که مهلت می خواهند؛ مهلت می خواهند که برای سرکوب اعتراضات کارگری توطئه بچینند. هر جا کارگر به مهلت خواستن مدیریت بی اعتنا بود و جواب داده که مهلت بی مهلت، در اسرع وقت به خواسته هایش رسیدگی شده است. هر یک است با بعقب انداختن پیروزی برای ساعتها و ماهها! اگر قدرت کارگر در تولید و اتحادش است، در حین مبارزه قدرتش در مصمم بودنش است!

کومله باید متوجه این حقیقت باشد که ناسیونالیستهایی مثل مهتدی و ایلخانیزاده هم، هنگام جدایی از کومله و حتی بعد از آن هنوز خود را به ظاهرا کمونیست معرفی میکردند. اکنون بر کسی پوشیده نیست که آنها جریاناتی قومپرست هستند و این فراکسیون اخیر هم نه تنها هیچ مرز و نقدی به آنها ندارد بلکه برای متحد شدن با آنها تلاش میکند.

برخلاف جریانات پرت و غیر اجتماعی که تلاش میکنند "فراکسیون فعالیت به نام کومله" و خود کومله و رهبری حزب کمونیست ایران را در یک ردیف قرار بدهند و به آنها حمله کنند، و برخلاف افراد پرت و غیر سیاسی که از سر دمکراسی طلبی خواهان حقوق ویژه برای ناسیونالیستهای درون کومله هستند، در این تقابل ما آشکارا و بدون شك و شبهه علیه ناسیونالیستها و در دفاع از چپ کومله می ایستیم. هر نقدی که به کومله داریم در این تقابل علاقه مندیم و تلاش میکنیم که چپ کومله برنده این جدال باشد.

در خانمه، تأکید بر جایگاه مجمع عمومی

ما همچنان خواهان تقویت کردن یک کومله کمونیست هستیم. ما اجازه نمیدهم که به اسم کومله که تاریخی چپ و قابل دفاعی دارد، جریانات ناسیونالیست و قومپرست در کردستان میدان دار بشوند. چپ کومله اگر بخواهد کومله کمونیست را تقویت کند، میتواند و باید با اعتماد به نفس بیشتری به نقد همه جانبه ناسیونالیسم کرد بپردازد.

اگر چه ما از سالها قبل وجود یک کومله کمونیست را بر شکل سازمانی کنونی حکای فعلی ترجیح داده ایم و هنوز هم فکر میکنیم این راه درست تقویت کومله کمونیست است، اما در جدال ناسیونالیستهای متمرکز در فراکسیون اخیر و دیگر جریانات قومپرست بر سر اسم حکا باید بدون ملاحظه علیه آنها و در دفاع از تاریخ و موجودیت حکا ایستاد.

تا آنجا که کومله بدرست از حکا و تاریخ آن دفاع کند ما را در کنار خود خواهد داشت و این فراکسیون و همه ناسیونالیست ها با آن مشکل خواهند داشت. واقعیت این است که با حاد شدن مبارزه طبقاتی همزیستی مسالمت آمیز کمونیسم و ناسیونالیسم در کومله غیر ممکن است. اگر قبلا وجود گرایشات مختلف در درون کومله انکار میشد. اکنون رهبری حزب کمونیست ایران و کومله رسما اعلام کرده اند که جریاناتی مانند سازمان زحمتکشان و شعباتش و فراکسیون اخیر و... همگی ناسیونالیست هستند. پذیرفتن همین حد از سیاست درست، یک قدم جدی به جلو محسوب میشود. کومله اگر بخواهد در کردستان جریانی رادیکال و جدی باشد علاوه بر ادامه ضدیتش با جمهوری اسلامی، راهی بجز مقابله جدی با جنبش ناسیونالیستی ندارد. دفاع ایندولوژیک از سوسیالیسم و نقد سرمایه داری عمل العموم، بدون تقابل و جدال با گرایشات سیاسی ضد کمونیستی موجود در جامعه نه توجه کسی را جلب میکند و نه نیرویی به کسی اضافه میکند.

روند تغییرات مثبت چپ در کومله بعد از کنگره ۱۳ آن سازمان به طور برجسته ای قابل مشاهده است. نقد رادیکال و تقابل با "فراکسیون فعالیت به نام کومله" اگر چه دیر اما به هر حال تعیین تکلیف سیاسی با آن فراکسیون یک پیشروی محسوب میشود. اما نقد سیاسی همه جانبه گرایش ناسیونالیستی از جانب کادرهای کومله هنوز از شفافیت لازم برخوردار نیست. چپ

۳۱ مارس ۲۰۰۹

اعلام جدایی فراکسیون شکست خورده ...

جدال شدگان از کومله (که بعد از سالها جدایی از کومله هنوز خود را صاحب آب و گل میدانند)، و اخیرا "فراکسیون فعالیت به نام کومله"، همگی گرایشاتی از ناسیونالیسم کرد و قومپرستان هستند که اساس اختلافشان با کومله بر محور ضدیتشان با کمونیسم است. ضد کمونیست بودن و قومپرستی این جریانات برای هر انسان منصف و مطلعی آشکار و غیر قابل انکار است.

ضدیت آنها با کومله و حزب کمونیست ایران بر سر اسم حزب کمونیست ایران متمرکز شده است اما حساسیت اصلی و پایه ای آنها و ضدیت آنها با کمونیسم است. ما قبلا و بعد از کنگره ۱۳ کومله گفتیم که این فراکسیون در آن کنگره شکست خورد و پرونده اش بسته شد. تاکید کردیم که کنگره جواب محکمی به این فراکسیون داده است و باید از موضع رادیکال و چپ کومله در مقابل فراکسیون که پرچم ناسیونالیسم کرد را بلند کرده است دفاع کرد. همان هنگام کسانی نابخردانه از دریچه سکتاریسم سازمانی خود، کومله چپ و فراکسیون ناسیونالیستهای افراطی را با یک سیاست واحد مورد حمله قرار دادند و حتی مواردی به این فراکسیون سمپاتی بیشتری به نسبت کومله نشان دادند.

ما بارها تاکید کرده ایم ناسیونالیسم کرد از ابتدا در سرنوشت کومله شریک بوده است و باید به این شراکت بطور قطع پایان داد. ناسیونالیسم در کومله همیشه در مقابل سوسیالیسم و رادی کالیسم این سازمان حاشیه ای و بازنده و بی افق و استخوان لای زخم بوده است. اینبار هم ناسیونالیسم دارد عقب زده میشود. تعیین تکلیف با این فراکسیون یک قدم جدی در این راستا محسوب میشود. تاکید ما در این زمینه این است که باید این روند رادیکال در نقد و حاشیه ای کردن ناسیونالیسم کرد در درون و بیرون کومله همه جانبه پیش برده شود.

روند تغییرات مثبت چپ در کومله بعد از کنگره ۱۳ آن سازمان به طور برجسته ای قابل مشاهده است. نقد رادیکال و تقابل با "فراکسیون فعالیت به نام کومله" اگر چه دیر اما به هر حال تعیین تکلیف سیاسی با آن فراکسیون یک پیشروی محسوب میشود. اما نقد سیاسی همه جانبه گرایش ناسیونالیستی از جانب کادرهای کومله هنوز از شفافیت لازم برخوردار نیست. چپ

از یک دنیای بهتر برنامه حزب کمونیست کارگری ایران

حکومت شورایی

کشور توسط مردم و قابل عزل بودن آنها هر زمان که اکثریت انتخاب کنندگان آنها اراده کنند. افرادی که به مشاغل سیاسی و اداری کشوری انتخاب میگردند باید حداکثر حقوقی معادل مزد متوسط کارگر دریافت دارند. اعمال نظارت مستقیم مردم از طریق نهادهای شورایی بر فعالیت دولت و در تصویب و اجرای قوانین و سیاستها تضمین کند، نمیتواند بر پارلمان و سیستم دموکراسی نیابتی استوار باشد. اعمال حاکمیت در سطوح مختلف، از سطح محلی تا سراسری باید توسط شوراهای خود مردم انجام شود که همه هم به مثابه قانونگذار و هم مجری قانون عمل میکنند. عالیترین ارگان حکومتی کشور کنگره سراسری نمایندگان شوراهای مردم خواهد بود. هر فرد بالای ۱۶ سال عضو صاحب رای شورای محلی خود محسوب میشود و حق دارد خود را برای کلیه مقامات و پست های شورای محلی و یا نمایندگی در شوراهای بالاتر کاندید نماید.

ارتقاء استانداردهای اخلاق اداری و وجدان کار و احترام به شهروندان و مراجعان. سوء استفاده مقامات اداری از موقعیت شغلی، رشوه خواری، پارتی بازی، اعمال تبعیض و عدول از ضوابط و مصوبات قانونی یا تعلل در اجرای آنها، باید بعنوان جرائم عمده در دادگاه های عادی مورد تعقیب قرار بگیرد. ممنوعیت اکید استفاده از امکانات و تسهیلات مربوط به منصب اداری برای مصارف شخصی.

حق بدون قید و شرط افراد به اقامه دعوا علیه هر مقام دولتی در دادگاه های عادی.

* * *

انتخابی شدن کلیه مقامات و پست های سیاسی و اداری در

لغو بوروکراسی ما فوق مردم و شرکت مستقیم مردم در اداره امور

انتخابی شدن کلیه مقامات و پست های سیاسی و اداری در

جامعه و همه انسانهای شرافتمند و آزادیخواه، خواهان يك دنیای بهتر، يك زندگی شاد و انسانی هستند. این وظیفه و مسئولیت برای برگزاری اول مه وسیع، توده ای و باشکوه بر عهده فعالین و رهبران کارگری، بر عهده فعالین چپ و کمونیست است.

از هم اکنون باید فضای کارخانه، شهر و محلات رنگ و بوی اول مه را بخود بگیرد. در تجمعات، مهمانی ها، در محل کار در تاکسی و اتوبوس، گفتن از اول مه باید نقل و نبات بحث و گفتگوها در این روزها باشد. اول مه روز همه مردمی است که به این فقر و فلاکت معترضند. فعالین کارگری، فعالین چپ و سوسیالیست نقش تعیین کننده ای در متحد کردن تمامی انسانهای شریف و دعوت وسیع از مردم برای شرکت در اول مه و اعتراض نسبت به اوضاع موجود را دارند. در و دیوار شهرها را از هم اکنون باید با شعار "زنده باد اول مه روز جهانی کارگر" پر کرد.

صدور قطعنامه های رادیکال و انسانی و حق طلبانه سنت جا افتاده ای در اول مه های گذشته بوده است. در قطعنامه های صادره ما کارگران، ما میلیونها مردم عاصی از ستم و استثمار و منجر از حکومتی جانی و حامی سرمایه داران، باید خواستار بهترینهایی که شایسته زندگی هر انسانی است بشویم. می توان ابتکارات زیادی را برای هرچه باشکوهتر برگزار کردن اول مه بخرج داد. با توجه به مساعد بودن هوا، روزهای قبل از برگزاری اول مه را می توان در کارخانه، گردشگاهها، پارکها و دیگر محلهای مناسب، به بحث و گفتگو پیرامون این روز پرداخت. در همین مناسبتها می توان برای حضوری وسیع و توده ای، در مورد تدارک این روز صحبت کرد، برنامه ریزی و تقسیم کار کرد. همه اینها ممکن و شدنی است. کلید يك حرکت توده ای و وسیع در روز اول مه هماهنگی همه فعالین کارگری و چپ و هماهنگی همه تشکلهای کارگری حول يك حرکت توده ای و قدرتمند است.

به امید برگزاری يك اول مه قدرتمند و باشکوه.

به استقبال اول مه . . .

از صفحه ۱



اخیر و در مبارزات خود قدمهای بلندی را علیه توحش سود و سرمایه برداشته است. از برگزاری مجامع عمومی، ایجاد تشکلهای، راه انداختن تجمعات اعتراضی برای کسب حقوق پایمال شده اش گرفته تا اعتراضات هر روزه برای بیرون کشیدن حق خود از حلقوم سرمایه داران و دولت حامی آنان، برگزاری اول مه های باشکوه در اعتراض به نظم موجود تنها بخشی از این تلاش طبقاتی بوده است. علاوه بر اینها جنبش کارگری از حمایت جنبشهای اعتراضی در جامعه برخوردار است. با توجه به همه اینها، جنبش کارگری میتواند و باید در اول مه ۸۸ با به میدان آوردن توده های ستمدیده مردم، نشان دهد که نماینده و سخنگوی اعتراض کل جامعه است.

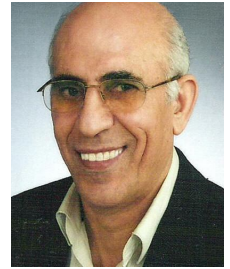
در شهرهای کردستان اول مه روز جهانی کارگر صاحب سنتهای چپ، رادیکال و سوسیالیستی است. فعالین کارگری و تمامی خانواده های کارگری به همراه همه مردم ستمدیده در شهرهای کردستان، می توانند اول مه امسال گام بلندی برای دست یابی به خواست و مطالبات کارگران و اعتراض گسترده به وضع موجود بردارند. روزهای آخر سال ۸۷ نیز این واقعیت را در مقابل چشم همگان قرار داد که مردم و اکثریت قریب به اتفاق مزدبگیران

طبقه کارگر در ایران، تحت حاکمیت ضد کارگری ترین رژیمهای تاریخ، تحت حاکمیت رژیمي تا خرخره غرق در بحران سیاسی و اقتصادی روبرو است. حکومت اسلامی و نظام سرمایه در ایران مدام در بحران بسر برده است. با بحران اقتصادی جهانی و وضعیت شاهرگ اقتصادی "نفت" در ایران دهها برابر تحمیل فقر و سیه روزی به کارگر و کل جامعه را بوجود آورده است. اعتراضات و مبارزات روزانه کارگران و کل مردم ستم دیده و استثمار شده در ایران میتواند ورق را برگرداند. برای خلاصی از جهنم سود، سرمایه، برای خلاصی از استثمار و پیامدهای بحران باید تدارک جدی دید. اوضاع بحران اقتصادی در ایران و تاثیرات ویرانگر آن بر زندگی اکثریت عظیم مردم و با به همراه آوردن فقر و تنگدستی غیر قابل تصور، ضرورت کنار زدن این بربریت توسط طبقه کارگر در ایران را صد چندان نموده است.

دولت مفتخوران سرمایه در ایران در اوج استیصال بسر میبرند. با وجود بحران حاکم بر نظامشان، با وجود دزدی ها و چپاولی که از دسترنج و ثروت کل جامعه بجیب زده اند، اعتراض و مبارزه کارگران علیه این بربریت روز به روز گسترش می یابد. جنبش کارگری در سالهای



روزی که فرانکفورت سرخ شد



محمدامین کامنجر

و پلاکارت دیده می شد که عادلانه ترین خواستها و تمایلات انسانی را نمایندگی می کرد. هزاران نفر در سنین مختلف دیده می شد که نوشته ای را بر پلاکارتی یا عکسی را از تبعیض در بین انسانها بزرگ کرده و بر گردن خود آویزان و اعتراض و ناراضی خود به وضع موجود را بر آن نوشته بودند و توجه بسیاری از عکاسان و فیلمبرداران کنجکاو را بخود جلب کرده بودند.

اول صف را که مشاهده می کردید ماشین بسیار بزرگی حرکت می کرد با بلند گوهای بسیار قوی و ۲ پرچم قرمز یکی جلو و دیگری در پشت ماشین نصب شده بودند. بعد از آن صف چند هزار جوان پسر و دختر را می دیدید که اکثراً یکنوع لباس سیاه پوشیده بودند و بازو در بازوی هم زیر پرچمهای سرخ خواستار تغییر جهان و تنها راه انقلاب سوسیالیستی را فریاد میزدند و پلاکارت بزرگی در اول صف به این مضمون حرکت می کرد "تاسیونالیسم و سرمایه داری هر دو کشیفند" حال زمان یک انقلاب سوسیالیستی است. این شعار بر روی دهها پلاکارت بچشم می خورد. و کادها و اعضای حزب کمونیست کارگری ایران در این تظاهرات و در این صف با حمل عکسهای بزرگ مارکس و نوشته او که ما "به تغییر جهان نیاز داریم"، نقش برجسته ای را ایفا کردند، بخصوص پرچم سرخ مارکس و منصور حکمت به صف

۲۸. ۳. ۲۰۰۹ روز شنبه شهر فرانکفورت آلمان در میان بارش باران شدید بین بیست و پنج تا سی هزار نفر علیه فقر و بیکاری از سه نقطه اصلی و در خیابانهای اصلی و پر رفت و آمد این شهر رو به میدان مرکزی شهر (میدان شهرداری) که فاصله طولانی ای است شروع به حرکت کردند. در مسیر تظاهرات چندین ماشین بزرگ در فاصله های مشخص که بلند گوهای بزرگ بر آنها نصب شده بود در حرکت بودند. و سخنرانان، سخنرانی می کردند و علیه این اوضاع (گرانی و بیکاری) شعار میدادند. و علاوه بر آن توسط دهها بلندگوی کوچک و بزرگ دیگر، شعارها تکرار می شد و خبر تظاهراتهای دیگر را گزارش می دادند. در این تظاهرات احزاب و سازمانها و گرایشهای مختلفی شرکت داشتند که هر کدام با پرچمهای خاص خود حضور داشتند. و در طول تظاهرات هزاران پرچم



تظاهرات زیبایی خاصی داده بود و از مصافت بسیار دور خودنمایی می کرد.

در این روز شهر فرانکفورت شاهد مارش عظیم انسانهایی شد که عمیقاً علیه نابرابری و بردگی انسان فریاد می کشیدند. شاهد خروشان و حضور هزاران انسان برابری طلب بود که در شهرهای کوچک و بزرگ آمده و در شهر فرانکفورت جمع شده بودند و بانگ محکومیت نظام سرمایه داری و ناعادلانه بودن آنرا سر دادند. و علیه شرایط استثمارگرانه موجود دست به اعتراض زدند و در زیر پرچمهای سرخ رژه رفتند. این شهر شاهد ارتش عظیم انسانهایی بود که علیه نظم موجود جهانی و بیکاری میلیون میلیون از انسانها و گرانی سرسام آور داد میزدند و این نظام و این دنیای وارونه را بنقد می کشیدند. و نوعی دیگر از زندگی و دنیایی دیگر

را خواستار بودند. اینها به خیابانها آمده بودند تا تغییر دهند. ۳۰ هزار انسان علیه هیولای گرسنگی به خیابانها آمده بودند که برای بلعیدن دست رنج کارگران و زحمتکشان جهان دهن باز کرده است. ۳۰ هزار انسان ساعتها در کنار هم یکصدا به نظام سرمایه داری نه گفتند. آنجا سوسیالیسم به شعار همه تبدیل شده بود به شعر همه تبدیل شده بود و به خواست همین امروز همه تظاهرات کننده گان تبدیل شده بود. سوسیالیسم حضور خود را بر هزاران پلاکارت و نوشته نشان می داد و برای محو گرانی و بیکاری و نابرابری های اجتماعی پا به میدان گذاشته بود و سخنرانان توسط صدا بلند گو در مسیر تظاهرات این را اعلام می کردند. من بلا فاصله شعار تظاهراتهای مردم ایران به ذهنم آمد که میگویند سوسیالیسم بپا خیز برای رفع

تبعیض. و در ضمن این بیانگر تشنگی جهان امروز و بشر امروز به سوسیالیسم است که دیروز در ایران و امروز در آلمان مردم خواستار این نظام انسانی هستند. این تظاهرات مهری بود بر گفته های منصور حکمت وقتی میگوید "دنیای بدون خطر" سوسیالیسم، بدون امید به سوسیالیسم، بدون فراخوان سوسیالیسم به چه منجلابی بدل می شود آری تظاهرات کنندگان پس از پیمودن مسیرهای طولانی وارد (رومی) میدان شهرداری شدند و سراسر میدان پوشیده از پرچمهای سرخ بود. و سخنرانان در میان کف زدن حضار شروع به سخنرانی کردند. و هر کدام گوشه و زوایای وضع موجود را بنقد می کشیدند و دنیای بهتری را نوید میدادند. و خواستار پایان این نظام وارونه بودند.

زنده باد انسانیت!
۲۹ مارس ۲۰۰۹

پتیشن علیه اعدام کودکان را امضا کنید

<http://www.thepetitionsite.com/petition/435265899>

sign petition!

Name

optional

Don't display my name

Email

Country

Address

City

State

Zip Code

Increase your signature's impact by personalizing your letter
For more impact, add a personal comment here

I agree to Care2's terms of service. We respect your privacy. Your email address is used to confirm your signature and is NOT displayed publicly.



ایسکرا، برنامه ای بزبان کردی در کانال جدید

برنامه ایسکرا روزهای یکشنبه و سه شنبه و پنجشنبه ساعت ۴ و نیم بعد از ظهر بوقت تهران پخش میشود
تهیه کننده برنامه:
بدی محمودی

تلویزیون ۲۴ ساعته کانال جدید

مشخصات فنی:
ماهواره هات برد ۸
فرکانس ۱۲۳۰۳ مگاهرتز سیمبل ریت ۲۷۵۰۰ - اف

پیام تسلیت به خانواده ترقی

متأسفانه ۱۱ فروردین ۱۳۸۸ لطف الله ترقی در شهر سنندج، در سن ۷۹ سالگی قلبش از تپش ایستاده و چشم از جهان فرو بست. آقای لطف الله ترقی در سنندج یکی از چهره های شناخته شده و مقاوم در مقابل جمهوری اسلامی بود. همچنین به همه افراد خانواده او و بستگان و دوستانش صمیمانه تسلیت میگویم. انسان شریفی مانند آقای ترقی برای همه ما که از نزدیک با درد و محنت و فداکاریهای او و خانواده اش در مقابل زورگوییهای جمهوری اسلامی آشنا بودیم همیشه قابل تقدیر بوده است. او سالها زیر فشار و اذیت و آزار ماموران جمهوری اسلامی بود. در دوران حاکمیت جمهوری اسلامی خانواده ترقی پنج تن از

عزیزانشان از جمله رحمت ترقی را از دست دادند. همه این عزیزان بوسیله جانیان اسلامی کشته و یا اعدام شدند. آقای لطف الله ترقی کسی بود که با وجود این همه درد و فشار، در مقابل رژیم اسلامی ایستاد و تا آخرین لحظه زندگی سربلند و مفتخر زیست.

با گرمی داشت یاد این انسان شریف یک بار دیگر یاد همه جانباختگان این خانواده و همه عزیزانی که برای بهتر زیستن و سر بلند زیستن جانانشان را فدا کردند گرامی میداریم.

از طرف کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
محمد آستگران

۱۱ فروردین ۱۳۸۸

اخراج دهها کارگر کارخانه ریسندگی و بافندگی شاهو

دهها تن از کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی شاهو در سنندج پس از اعتراض به سیاستهای کارفرمای کارخانه از کار اخراج شدند. با اعلام سیاست جدید کارفرمای کارخانه ریسندگی و بافندگی شاهو مبنی بر پرداخت سنوات هر سال یک بار به ۲۲ کارگر کارخانه که مسائلی همچون بازنشستگی و بیمه خدمات اجتماعی کارگران را تحت الشعاع خود قرار می داد کارگران این کارخانه دست به اعتراض زدند. در پی این اعتراض مسئولان کارخانه اقدام به اخراج دهها تن از کارگران معترض نمودند. نمایندگان کارگران به همراه کارگران به اداره کار سنندج مراجعه کرده و طی تنظیم دادخواستی، شکایت و اعتراض خود را نسبت به اقدام کارفرما تسلیم این اداره نموده و اعلام کردند در صورت رد شکایت و عدم بازگشت به کار، کارگران اعتراضاتشان را تشدید خواهند کرد.



سرکوبگرانه رژیم اعتراض کنند و بطور متحد و یکپارچه در مقابل مجازات اعدام بایستند. قانون مجازات اعدام قانونی وحشیانه و قرون وسطایی است. باید تلاش کنیم قانون مجازات اعدام برای همیشه از قوانین همه کشورها رخت بر بندد.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۹ فروردین ۸۸، ۲۹ مارس ۲۰۰۹

اعدام یک جوان در زندان مرکزی سنندج

بنا به خبرمنتشر شده رحمت صادقی جوان ۲۳ ساله اهل سنندج در هفته دوم اسفند ماه ۸۷ در زندان مرکزی سنندج اعدام شده است. بنا به همین خبر، اواخر سال ۸۳ در شهر کامیاران با درگرفتن نزاعی که منجر به کشته شدن یک جوان دانشجوی شد، رحمت صادقی را بعنوان قاتل معرفی و به مرگ محکوم کردند. حکم وی در هفته دوم اسفند ماه سال ۱۳۸۷ در زندان مرکزی سنندج به اجرا گذاشته شد.

طبق آمار رسمی منتشر شده در سال گذشته ۳۴۶ نفر در ایران اعدام شده اند. با قتلهای دیگری که در زندانهای رژیم صورت می گیرد و زندانیان را با ضرب و شتم و شکنجه کشتار می کنند، بطور

طبق آمار رسمی منتشر شده در سال گذشته ۳۴۶ نفر در ایران اعدام شده اند. با قتلهای دیگری که در زندانهای رژیم صورت می گیرد و زندانیان را با ضرب و شتم و شکنجه کشتار می کنند، بطور

انفجار مین در سردشت جان یک نفر را گرفت

بنا به خبری که از سردشت به حزب رسیده است روز شنبه ۸ فروردین ۸۸ در روستای "قلعه رش" در منطقه "بازار" یک نفر به نام علی درویشی ۴۳ ساله بر اثر انفجار مین جان خود را از دست داد. برادر علی نیز بنام عزیز درویشی ۴۰ ساله بشدت مجروح شد.

این اولین بار نیست که زحمتکشان مناطق مرزی بر اثر

خانواده و بستگان علی درویشی، اقدام ضد انسانی ماموران رژیم را که وظیفه ای جز سرکوب و اذیت و آزار، مین گذاری بر سر راه مردم و تیر اندازی بسوی زحمتکشان ساکن مرز ندارند بشدت محکوم می کند و از مردم مناطق مرزی و شهر سردشت می خواهد که نسبت به این عمل جنایتکارانه اعتراض کنند.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۸ فروردین ۸۸، ۲۸ مارس ۲۰۰۹

خود سوزی دو دختر جوان در کرمانشاه

کرمانشاه: دو دختر جوان در کرمانشاه و اسلامشهر بر اثر فقر شدید و فشارهای ناشی از موقعیت زندگی فلاکتبار تحمیل شده بر آنان، اقدام به خودسوزی

کرمانشاه جان سپرد. دختر جوان دیگری روز پنجم فروردین ماه در اسلامشهر خودسوزی کرد. این دختر که مهسا نام داشت و ۱۸ ساله بود روز چهارشنبه پنجم فروردین به دلیل فقر شدید خود را به آتش کشید.

* * *

اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!